

دموکراسی و استقلال

از : کانون تبلیغات و انتشارات





حزب ایران

دموکراسی و استقلال

❖ حکومت خوب حکومتی است که حصول سعادت را برای افراد میسر ساخته و جامعه را به ترقی سوق دهد.

❖ سعادت بشر در رسیدن به خواسته های خود است، سعادت‌مند کسی است که در راه نیل به آرزوهایش قدم بر میدارد.

علاقه ما به خواسته های خود شدت و ضعف دارد چیزهایی است که به شدت می خواهیم و نرسیدن به آنها هستی ما را در خطر می اندازد، خواسته هایی داریم که بدون رنجش خاطر و بروز افسردگی و اندوه از حصولشان صرف نظر نمی کنیم و سرانجام خیلی از خواسته ها را بسهولت کنار می گذاریم.

❖ هیچکس واقف به تمام خواسته های دیگران نیست.

هیچکس نمی داند دیگری چه می خواهد بر توانایی و خصوصیات شخصی یکفرد، کسی آگاه تر از خود آن فرد نمیباشد. هر فرد خود میدانند چه می خواهد، خود می داند چه وسایلی برای حصول به خواسته های خود دارد و بیشتر از تمام افراد بشر به خوشبختی خود علاقمند است. هیچ فرد یا دسته نمی تواند خواسته های دیگری را تقریر کرده و با انجام آنها را بعهدہ بگیرد.

پس روزی فرد انسانی سعادت‌مند خواهد بود که سرنوشتش در دست خودش باشد و غیر او بر او حکومت نکند.

❖ بشر حیوانی است اجتماعی و خواهی نخواهی دسته‌های کوچک و بزرگ آدمیان با هم زندگی می‌کنند سرنوشتشان به هم بستگی دارد و هر قدر سطح تمدن بالا می‌رود این به هم بستگی شدیدتر و دامنه‌دارتر می‌گردد، بنابراین تحقق خواسته‌های انفرادی بدون توافق بین آنان میسر نیست. باید خواسته‌های یک فرد خواسته‌های دیگری را پایمال نکند و بعلاوه برخلاف جهت سیر تکامل اجتماع که موجب ترقی عموم و در نتیجه منشا لذات بالاتری است، نباشد. پس دیگران هم باید حکومت کنند یعنی در حکومت بر مردم، برای سعادت مردم، تمام مردم شریک باشند، حکومت مردم بر مردم را دمکراسی می‌نامند و از این جهت است که ما بهترین طرز حکومت، حکومتی را می‌دانیم که بر اساس دمکراسی مستقر و رای اجتماع در اداره کشور حاکم باشد.

حزب ایران با دیکتاتوری افراد و اقلیت‌ها که خواسته‌های اکثریت را فدای خواسته‌های یک فرد یا یک اقلیت می‌سازد مخالف بوده و چون «شخص آدمی» و مقام آدمیت را محترم و عزیز می‌شمارد، دیکتاتوری اکثریت را نیز که مانع تقریر خواسته‌های اقلیت است مجاز نمی‌داند.

❖ دمکراسی نتیجه تمایلات افراد هر جامعه می‌باشد و از این جهت است که ملل دنیا یکی بعد از دیگری با اقدامات شدید که غالباً منجر به انقلابات خونین شده حکومت خود را به این صورت در آورده‌اند. اگر در بعضی ممالک دمکراسی نتایج خوبی نداشته علت آن را باید در طرز اجرای دمکراسی جستجو کرد نه در اصل آن.

باید بکوشیم دمکراسی در ایران بطور صحیح اجرا گردد.

❖ اگر حکومت دمکراتیک در نتیجه علاقه آدمیان به بحصول خواسته های خود بر دنیا تحمیل شده است، پس باید مقررات، سازمان ها و طرز اجرای آن طوری باشد که به طور تحقیق تمام افراد جامعه بتوانند خواسته های خود را تا آنجا که عملی است عملی سازند.

❖ باید روابط افراد با یکدیگر و با جامعه طوری تنظیم شود که خواسته های دسته ای سد راه خواسته های دیگران و بضرر جامعه نباشد. خواسته های هر فردی امر شخصی آن فرد است هیچکس حق ندارد در آرزو هایش مداخله کند، هیچکس مثل خود فرد نمی تواند خواسته هایش را عملی سازد پس فرد باید در تقریر خواسته های خود و در اتخاذ راه حصول آنها آزاد باشد اگر سعادت حق بشر است آزادی جستجوی سعادت هم حق بشر است.

بشر باید آزاد باشد که هرچه میخواهد بخواهد، باید آزاد باشد که آنچه میخواهد بیان کند، در راه آنچه میخواهد آزادانه تلاش نماید هر چه مورد علاقه اش است (چه آنچه مربوط به سعادت او است و چه آنچه در نتیجه سعادت مند کردن هموعان، مایه لذت او است) باید بتواند آزادانه بگوید و بکند. آزادی فکر، آزادی بیان، آزادی عمل، شروط اولیه برای حصول سعادت بشر است.

❖ ولی آزادی فرد باید مخل آزادی دیگران نباشد خواهی خواهی تمام افراد جامعه باید قسمتی از آزادی خود را فدای آزادی سایرین نمایند پس آزادی فردی بلاجبار دچار محدودیت هایی خواهد شد که برای سعادت جامعه بطور کلی و در نتیجه برای سعادت خود فرد هم لازم است. آزادی مطلق با زندگی اجتماعی عملی نیست سعادت افراد جامعه وجود محدودیت هایی را ایجاب می نماید ولی بدبختانه این حقیقت غالباً مورد سو استفاده قرار گرفته و باسم اینکه آزادی مطلق غیر عملی و غیر منطقی است دشمنان آزادی ملل به سلب آزادی جامعه ها صورت قانونی می دهند.

باید کاملاً متوجه بود که وجود محدودیت‌ها و قیود بر آزادی برای تأمین و تعمیم آزادی است، فقط محدودیتی قابل قبول می‌باشد که بشر را از آزادی‌هایی که برای خوشبختی‌اش لازم است محدود نسازد.

روش و قیافه حقیقی هر حکومت را از محدودیت‌هایی که بر آزادی قائل میشوند به خوبی میتوان درک کرد.

اگر حکومتی (عنوان ظاهرش هر چه می‌خواهد باشد) هرزه‌درانی و انتشار خرافات را آزاد گذارده و انتشار عقاید سیاسی و فلسفی را محدود نمود این حکومت دشمن ملت خود است چه انتشارات اولی به ضرر و دومی به نفع آن میباشد.

اگر حکومتی والدین را در فرستادن در فرستادن اولاد خود به مدرسه آزاد گذاشت و در ضمن مدارس کافی ایجاد نمود چنین حکومتی در حقیقت آزادی نافع را محدود کرده است چه آنکه نمی‌خواهد فرزندش خواندن و نوشتن بیاموزد بمقصود خود رسیده است ولی آنکه علاقه مند به تربیت فرزندان خود است وسیله انجام خواسته‌های خود را ندارد.

آری آزادی بدون قید و محدودیت میسر نیست ولی در حکومت دمکراتیک حقیقی محدودیت‌ها برای منافع افراد و جامعه است.

❖ صرف به رسمیت شناختن آزادی، صرف قانونی کردن آزادی، آزادی ایجاد نمی‌کند. در راه آزادی بشر موانع بیشمار موجود است قسمتی از این موانع طبیعی و انهدام آنها بسهولت میسر نیست ولی هر مانعی که مصنوعاً بر سر راه آزادی آدمیان ایجاد شده باشد برطرف گردید. آنکه کور به دنیا می‌آید نمی‌تواند از تمام آزادی‌ها برخوردار گردد و بدبختانه هیچ جامعه نمی‌تواند به این محروم طبیعی آزادی کامل ببخشد ولی آنکه مانعی بر سر راهش نیست باید بتواند از آزادی کاملاً استفاده نماید. در بعضی ممالک با وجود اینکه اسماً حکومت دموکراسی

برقرار است و قانونا تمام افراد با هم مساوی بوده و مانعی در راه تعالی و ترقی خود ندارند ولی این تساوی اسمی بیش نیست، از همان روز تولد، محیط اجتماعی عدم تساوی های بزرگی را ایجاد می کند برای عده محدودی راه ترقی کاملا باز است در صورتی که برای عده کثیری زندگی بوضعی خشن و دهشتناک تحمیل می گردد.

البته خصوصیات توارثی، ظرفیت و توانایی افراد تفاوت دارد اما حکومت دموکراتیک حقیقی آنست که بر این عدم تساوی طبیعی عدم تساوی مصنوعی اضافه نکرده و وضعیت سیاسی و اقتصادی جامعه را طوری تنظیم کند که هیچ دسته عملا از استفاده از آزادی محروم نگردد.

❖ حکومت دموکراتیک حقیقی نمی تواند به همین تفویض آزادی اکتفا کند آزادی فرد را در کفش نهاده به سرنوشت خود رهائش سازد بلکه باید محیطی ایجاد کند که فرد بتواند از این آزادی برای رسیدن بخواسته های خود استفاده کند، هر کس به تنهایی می تواند به قسمتی از خواسته های خود برسد مشروط به اینکه سالم بماند و نیروهای خود را پرورش دهد حکومت باید وسایل تدرسی و پرورش را در اختیار فرد بگذارد. بهداشت و فرهنگ مملکت باید آماده و کافی برای سالم نگه داشتن و تربیت کردن تمام افراد جامعه باشد.

نیل به قسمتی از خواسته های آدمی بدون کمک دیگران میسر نیست روزی انسان می تواند به کمک دیگران امیدوار باشد که با کار خود، قادر به کمک کردن باشد پس حکومت دموکراتیک باید برای تمام افراد کار کردن را میسر کند.

تضمین تندرستی، پرورش و کار از حقوق بشری بوده و در نتیجه تشکیل جامعه ایجاد می شود آن روزی که شخص حاضر شد قسمتی از آزادی ها خود را بدیگری داده دسته ای از خواسته های خود را برای اینکه دیگران هم به ارزوی خود برسند کنار نهد، آن روزی که حاضر شد به

دیگران برای رسیدن به خواسته هایشان کمک نماید این حقوق بر او مسلم می‌گردد، جامعه ای که حکومت می‌کند باید این حقوق را تامین نماید.

❖ نظری بطرز تقریر خواسته های بشری وظایف دیگر حکومت دموکراتیک را تایین می‌کند. اگر ضروریات حیاتی بشر از طبیعت حیوانی اش سرچشمه می‌گیرد، نیازمندی های ادمی زاییده آموخته های ادمی است. منبع آموخته های ما هرچه می‌خواهد باشد، از این منبع است که مصالح ساختن خانه آرزو را تهیه می‌کنیم. آنکه هرگز اتومبیل ندیده آرزوی داشتن اتومبیل نمی‌کند، آنکه حدود معلوماتش کافی برای درک زیبایی های کلمات سعدی نیست علاقه به خواندن گلستان ندارد، آنکه جز نان خالی غذایی ندیده و نچشیده است، بجز نان خالی طلبی نمی‌کند.

پس هر قدر آموخته های ما بیشتر باشد دامنه آرزو ها وسیع تر و به طور کلی خواسته ها ظریف تر و لذیذ تر است، رسیدن بخواسته های فعلی، آدمی را سعادتمند می‌سازد ولی این سعادت و خوشبختی از نوع بالاتر و ممتازتر و در نتیجه عمیق تر خواهد بود حکومت باید سطح آموخته های افراد را هر آن بالاتر برده تقریر خواسته های جدید و عالیتری را میسر سازد. حکومت نباید به تهیه وسائل خوشبختی، که متناسب با وضع امروز است اکتفا کند، بلکه باید بکوشد که فرد را به خوشبختی هایی که تمدن عالی بشر اجازه می‌دهد نائل سازد. تهیه وسائل ترفی افراد و جامعه از وظایف حکومت است. حکومت باید مترقی باشد و وسایل تکامل را برای همه افراد مهیا سازد مخصوصا که میل به تکامل یکی از عالیتین و بزرگترین خواسته های بشری است.

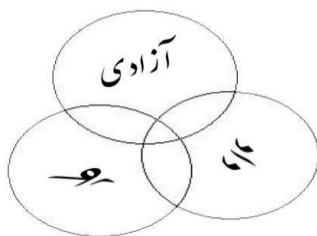
❖ همینکه افراد جامعه تشکیل داده، حکومتی برای خود برگزیدند و تشکیل یک ملت دادند، داشتن زبان مشترک، مذهب مشترک، تاریخ مشترک و بالاتر از همه فرهنگ و عادات و رسوم مشترک،

آرزوهایی ایجاد می نماید که مشترک تمام ملت بوده و مخصوص آن ملت است و هیچ ملت دیگری نباید سد راه نیل به آنها گردد.

فقط ایرانیان هستند ولاغیر که آرزومند بزرگی و عظمت ایران بوده و از ذکر افتخارات گذشته ایران خوشحال می شوند فقط ایرانیان هستند که در روز اول فروردین میخواهند لباس نویوشند و می خواهند در جشن و شادی باشند.

چون در طول سالها و قرن های متمادی افرادی با هم زندگی کرده در غم و شادی شریک بوده بالا های آسمانی، سختی های طبیعت و ستم ستمگران را مشترکا تحمل کرده اند. ملتی تشکیل می گردد که در میان ملل دیگر دارای خصوصیات معین بوده و به منزله یک واحد مشخص در جامعه بشریت خودنمایی میکند، آرزو های مخصوص به خود دارد که برای نیل به آنها باید آزاد باشد و اگر این آزادی از او سلب شد از سعادت محروم شده است آزادی ملت ها را استقلال می نامند آزادی و استقلال معرف دو مظهر یک حقیقت اند و این حقیقت آزادی است، آزادی فرد را در ملت ها استقلال می گویند و از این جهت استقلال همچون آزادی برای سعادت افراد لازم بوده و هر دو حکومت دموکراتیک را نتیجه می دهند. اگر در جوامع تاریخ بشر حکومت های مستبد چندی پائیده اند، در عصر کنونی که آرای آزادیبخش انتشار و وسائل ارتباط فکری جوامع بشری تکامل یافته دوام حکومت های مستبد به قیاس تاریخ ممتنع است. آنجا که دموکراسی نیست استقلال دوام نخواهد داشت، آنجا که استقلال نیست حکومت دموکراتیک هرگز عملی نخواهد شد. استقلال حکومت های غیر دموکراتیک پایدار نمی باشد. چه در چنین حکومت ها ترقی و خوشبختی برای افراد موجود نبوده و این دو علت ملت را ناراضی و ضعیف نگاه می دارد. جامعه ای که افراد آن ناراضی و ناتوان هستند استقلالش دستخوش هوی و هوس همسایه های قوی تر است. هر دفعه ای که مورد تهاجم قرار گرفت

قوای نظامی اش بسهولت متلاشی می شود و بر فرض که تهاجمی در کار نباشد عدم رضایت مردم طبقه حاکم را همیشه تهدید می کند و حکومتی که در داخل پشتیبانی ندارد برای فرمانفرمایی خود مجبور می شود که به خارجی تکیه کند و استقلال مملکت را فدای بقای فرمانفرمائی خود سازد، پس ملتی که حکومت دموکراتیک ندارد استقلال نخواهد داشت از سوی دیگر ملتی که در تحت استیلای دولت های خارجی است هیچگاه قادر نخواهد بود که حکومت خود را دموکراتیک سازد چه حکومت دموکراتیک به دنبال آرزوهای ملت خود می رود در صورتیکه وظیفه دولت های غیر مستقل انجام اوامر و دستورات دولت های خارجی است، حکومتی که بر خارجی تکیه می کند منافع و آرزو های خارجی را در نظر باید بگیرد و در این صورت نمی تواند دموکراتیک باشد. از این جهت است که حزب ایران که خواهان سعادت ایرانیان و عظمت ایران می باشد، حفظ استقلال کامل کشور و پشتیبانی از اصول دموکراسی را در سرلوحه مرام خود قرار داده است.



برای ایرانی، بدست ایرانی، با فکر ایرانی